

Iran's Legislative Criminal Policy on Crimes Threatening Food Security with a Preventive Approach

Abstract

Establishment and sustainability, food security, as a human right to access adequate, safe and nutritious food, is directly related to environmental rights. In the field of food security and the right to food, there are many crimes, including food crimes and environmental crimes, which endanger food security and ultimately the health of citizens. Developed countries, meanwhile, have tended to pursue preventive criminal policies to prevent these crimes. In this article, we intend to explain Iran's legislative criminal policy against crimes threatening food security through a library method. The results of the study indicate that the non-criminal responses in question lack the necessary infrastructure to achieve the goal of prevention and criminal responses also lack sufficient coherence. The need for a special law entitled "Food Threatening Crimes" that covers food threatening behaviors is felt by the Special Court.

Keywords: prevention, criminal policy, criminal law, health violations.

سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال جرایم تهدید کننده امنیت غذایی با رویکرد پیشگیرانه

نساء همتی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۸

مسعود قاسمی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۳

مسعود بسامی^۳

چکیده

استقرار و پایداری، امنیت غذایی، به‌عنوان حق دسترسی بشر به غذای کافی، ایمن و مغذی با حقوق محیط‌زیست، ارتباط مستقیمی دارد. در حوزه امنیت غذایی و حق بر غذا، جرایم زیادی اعم از جرایم حوزه مواد غذایی و جرایم حوزه زیست محیطی اتفاق می‌افتد که امنیت غذایی و در نهایت سلامت شهروندان را به خطر می‌اندازد. در این بین کشورهای توسعه یافته، برای جلوگیری از این جرایم، تمایل به سیاست جنایی پیشگیرانه پیدا کرده‌اند. در این مقاله برآنیم، تا با روش کتابخانه‌ای به تبیین سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال جرایم تهدید کننده امنیت غذایی بپردازیم. نتایج تحقیق حاکی از آن است که پاسخ‌های غیرکیفری مورد بحث فاقد زیرساخت‌های لازم برای تحقق هدف پیشگیری و پاسخ‌های کیفری نیز، فاقد انسجام کافی می‌باشد. نیاز به قانونی خاص با عنوان "جرایم تهدید کننده امنیت غذایی" که پوشش دهنده رفتارهای تهدید کننده امنیت غذایی باشد با دادرسی ویژه محسوس می‌باشد.

کلیدواژگان: پیشگیری، سیاست جنایی، حقوق کیفری، تخلفات بهداشتی.

^۱ دانشجوی دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه،

ایران Hemmati.nesa@yahoo.com

^۲ استادیار، گروه حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول) md.ghasemi@iauksh.ir

^۳ گروه حقوق، واحد اسلام آباد غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلام آباد غرب، ایران
mbassami1360@gmail.com

۱-مقدمه

حق بر غذا یکی از مصادیق حقوق بنیادین انسانی به‌شمار می‌آید. حق بر محیط‌زیست نیز از مصادیق برجسته حقوق بشری است که موجب توسعه پایدار شده و باعث تجلی جامعه توسعه یافته می‌گردد. غذای انسان از آب و خاک به‌دست می‌آید و آلوده کردن آب و خاک، سبب بروز اشکال در تأمین مواد غذایی خواهد شد. پر واضح است که امنیت غذایی و تجلی حق بر محیط‌زیست، نیازمند حکمرانی خوب می‌باشد. در این حکمرانی حکومت‌ها با مشارکت بخش خصوصی و حقوق مدنی تعهدات را انجام می‌دهند.

از آن‌جا که با توجه به جمعیت رو به رشد جهان، گرسنگی در حال افزایش است و امنیت غذایی و حق بر غذا از جمله مقوله‌های مهم در سطح جهان و از اساسی‌ترین حقوق و نیازهای انسان محسوب می‌شوند. برای حل معضل گرسنگی مفاهیمی همچون حق بر غذا و امنیت غذایی در اسناد بین‌المللی و ملی مورد نظر قرار گرفته و معاهدات بسیاری هم در زمینه حقوق محیط‌زیست جهت تأمین امنیت غذایی به تصویب رسیده است. سیاست جنایی تقنینی را نه تنها باید نخستین لایه سیاست جنایی محسوب کرد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۲: ۲۵۹) بلکه آن را باید هسته اصلی سیاست جنایی و تعیین‌کننده نوع پاسخ در قبال پدیده‌های مجرمانه تصور کرد (لازرژ، ۱۳۸۲: ۹۵) زیرا با توجه به اصول حاکم حقوق کیفری همانند اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها و تبعیت غیرقابل انکار از آن خود بیانگر اهمیت نوع سیاست جنایی پی‌ریزی شده در قانون به وسیله قوه مقننه دارد. بر این اساس سیاست جنایی تقنینی عبارت است از «تدبیر و چاره‌اندیشی قانون‌گذار در مورد جرم و پاسخ به آن که با توجه به وابستگی سیاست جنایی به نظام سیاسی هر کشور حالت‌های مختلفی به خود می‌گیرد. سیاست جنایی تقنینی سلیقه قانون‌گذاران مختلف و انتخاب‌های آنان در انواع جرائم و مجازات‌ها و به طور کلی نحوه مقابله با پدیده مجرمانه و دادرسی جرائم است» (نجفی ابرندآبادی، پیشین: ۲۶۰). بی‌تردید برقراری امنیت غذایی با مداخله حقوق کیفری هم در جریان استقرار و هم در مرحله پایدارسازی آن در جامعه نیازمند وضع و اجرای پاسخ‌های کیفری و جامعه‌ی متناسب می‌باشد، لذا به بررسی سیاست جنایی تقنینی جمهوری اسلامی ایران در زمینه فوق پرداخته می‌شود.

۲-سیاست جنایی و انواع آن

سیاست جنایی در حقوق کیفری امروز بسیار مورد توجه نظام‌های کیفری در کشورهای توسعه یافته قرار گرفته است و البته در بسیاری از این کشورها موجب پیشگیری در بزهکاری شده است. ریموند گسن^۱ درباره ویژگی برنامه‌های پیشگیری این سیاست از بزهکاری، بر این اعتقاد است که این

^۱ Raymond Gassin,

برنامه‌ها از نخستین تجربیات پیشگیری و نخستین پیشگیری از بزهکاری جوانان است. از این رو به نام پیشگیری اجتماعی خوانده می‌شود که حاصل تجربیات پیشگیری مددکاران اجتماعی بدون مداخله بحث‌های پلیس و دادگستری و معطوف به مبارزه ناسازگاری جوانان بزهکار و محیط رشد آنان است. پس مرکز ثقل پیشگیری اجتماعی عبارت از برنامه‌هایی است که هدف آنها در بلند مدت، اقداماتی عمقی درباره افراد و اطرافیان اجتماعی آنان است (کی‌نیا، ۱۳۹۸: ص ۱۶۳).

گیدنز نیز معتقد است: "وظیفه جرم‌شناسان این است که اجتماع را علیه بزهکاری مجهز کنند و اقدامات لازم را برای درمان بزهکاران به عمل آورند، یعنی هم علل جرم را مطالعه کنند و هم به بررسی راه‌های پیشگیری و طرق جلوگیری و تکرار جرم بپردازند تا بتوانند هم اجتماع و هم افراد را در برابر جرائم حفظ کنند" (گیدنز، ۱۳۹۸: ص ۱۲۷). در حقیقت بنیادی‌ترین راه مهار، کنترل و کاهش جرم، در راهبرد پیشگیری از جرم دیده شده است چرا که پیشگیری از جرم، مؤثرتر از اقدامات تدابیر واکنشی و سرکوب، نظم و امنیت فردی و اجتماعی را تأمین می‌کند چون مجازات و تنبیه بیش از آن که آثار بزهکاری را کاهش دهد، مسائلی همچون ترس و نگرانی شهروندان از جرم و بزهکاری را سبب می‌شود. هم‌چنین بسیاری از مجرمان به‌ویژه در جرائم اقتصادی یا دستگیر نمی‌شوند و یا اگر هم دستگیر شدند، مجازاتی که جامعه انتظار آن را دارد در مورد آن‌ها اعمال نمی‌شود. البته تأکید بر اهمیت پیشگیری از وقوع جرم به‌منزله بی‌فایده دانستن اقدامات واکنشی نیست تا تعطیل مجازات تا تعطیل مجازات و کیفر بزهکاران مطرح شود بلکه اولویت دادن به جایگاه پیشگیری نسبت به اقدامات واکنشی بخاطر تأثیر مطلوب‌تر و کاهش هزینه‌های مادی و معنوی می‌باشد. از طرفی دیگر در پیشگیری اجتماعی همه بخش‌های جامعه تحت‌الشعاع قرار می‌گیرند اما کیفر و مجازات معطوف به یک بخش از موضوع یعنی مجرم و بزهکار است و توجهی به شرایط محیطی که گاه خود حکومتها و جوامع در ایجاد آن شرایط نقش بسزایی دارند، توجهی ندارد. هنگام اعمال تدابیر پیشگیرانه در جامعه همه توان نرم افزاری با اعمال سیاست‌های آموزشی، تبلیغی، فرهنگی و اجتماعی و ... به‌کار گرفته می‌شود و همین امر نیز بیشتر مورد توجه و پذیرش شهروندان قرار می‌گیرد. بنابراین در پیشگیری غیر کیفری از وقوع بزهکاری و جرم، پیش‌بینی و اعمال سیاست‌ها، قبل از ارتکاب جرم و ناظر بر شرایط و عوامل نوعی جرم می‌باشد، تا هدف از این اقدامات که همان محدود کردن وقوع بزهکاری است، محقق گردد. این در حالی است که در سیاست جنایی پیشگیرانه اقدامات عمدتاً شامل تغییر محیط‌های اجتماعی و بویژه متمرکز بر انگیزه‌های مجرمانه می‌باشد. هدف پیشگیری مذکور این است که به‌طور مستقیم از مجرم شدن افراد یعنی تبدیل بزهکاران بالقوه به بالفعل جلوگیری کند و مجرم‌ان بالفعل و بالقوه را از خطاهای آتی منصرف کند. (کی‌نیا، ۱۳۹۸: ص ۲۸۸) پیشگیری اجتماعی در حوزه سیاست جنایی خود به دو بخش تقسیم می‌شود: پیش‌گیری اجتماعی رشد‌مدار و پیش‌گیری اجتماعی جامعه‌مدار. در پیش‌گیری اجتماعی جامعه‌مدار با اتخاذ تدابیر و اقدامات مناسب برای از بین بردن و یا کاهش عوامل جرم‌زا سعی در تأثیرگذاری بر محیط‌های اجتماعی و عمومی است مانند ایجاد مکان‌های تفریحی یا گسترش فضاهای سبز و فعالیت‌های هنری و ورزشی و از این قبیل. اما در پیش‌گیری

اجتماعی رشدمدار، شناسایی عوامل خطر، تقویت حمایتی و مداخله زودرس بویژه در مورد اطفال و نوجوانان از ارتکاب بزه، مورد توجه می‌باشد (نجفی ابرآبادی، ۱۳۹۱: ص ۵۴).

۳- مفهوم محیط‌زیست

در معاهدات و کنوانسیونهای بین‌المللی و قوانین اساسی بسیاری از کشورها من جمله قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تعریف حقوقی از واژه "محیط‌زیست" بیان نشده است. اما در برخی از کتب محیط‌زیست، تعریف این واژه آمده است. در تعریف کلی از محیط‌زیست می‌توان گفت، محیط مادی مناسبی که وجود و استمرار حیات انسان و تمامی گیاهان و جانوران منوط به آن است مرکب از آب، هوا و ذرات معلق می‌باشد. به عبارت دیگر، محیط‌زیست متشکل از نظام‌های اتمسفر (که از هوا و ذرات آب و ذرات معلق تشکیل شده)، پدوسفر (زمین)، بیوسفر (قشر زیست محیطی) و هیدروسفر (آب) است. در تعریف دیگر، محیط‌زیست به "محیطی که فرایند حیات را فرا گرفته و با آن برهم کنش دارد، تعبیر شده است. محیط‌زیست، از طبیعت، جوامع انسانی و نیز فضاهایی که با فکر و دست انسان ساخته شده‌اند تشکیل شده و کل فضای زیستی کره زمین یعنی زیست‌کره (بیوسفر) را فرا می‌گیرد. (قاسمی، ۱۳۸۴: ۲۵)

۴- حق بر غذا

"حق بر غذا" به معنی دسترسی مستمر، پایدار و بدون محدودیت است که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به غذایی که هم از نظر کیفیت و کمیت مناسب و مطابق با شرایط فرهنگی جامعه فرد مصرف کننده می‌باشد. به نحوی که زندگی او را در بعد روانی و جسمانی و سطوح فردی و جمعی تضمین کند و تأمین آن به میزان کافی، مناسب و بدون دغدغه باشد. حق نسبت به غذا مستلزم نوع حداقلی از غذاست که سازگار با شرافت انسانی باشد. کمیته اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حق نسبت به غذا را به گونه‌ای جدایی‌ناپذیر با کرامت انسانی مرتبط می‌داند که برای استیفای سایر حقوق مندرج در منشور بین‌المللی حقوق بشر ضروری است. (بند (۴) تفسیر کلی شماره ۱۲) *The Right to Adequate Food*, ۱۹۹۹: p ۵۴.

حق بر غذا شامل حق یاری رساندن به فردی است که نمی‌تواند از خویشتن مراقبت نماید. البته این نکته در مورد حق بر غذا بیشتر حائز اهمیت است که حق بر غذا حقی است که بر اساس آن هر فرد بتواند تغذیه در شأن خویش را داشته باشد. این حق هم چنین شامل دسترسی به منابع و ابزارهایی برای تأمین معیشت هر فرد نیز می‌باشد. موارد دیگر شامل دسترسی به زمین، امنیت و رفاه، دسترسی به آب و بذر، اعتبارات، تکنولوژی و بازارهای محلی و منطقه‌ای و خصوصاً برای اقشار آسیب‌پذیر و در معرض تبعیض، دسترسی به مناطق قدیمی ماهیگیری برای جوامع ماهیگیری که به این مناطق برای تأمین معاش خویش وابسته‌اند، دسترسی به سطحی از درآمد کافی برای کارگران شهری و روستایی که بتوانند افزون بر دسترسی به امنیت اجتماعی و کمکهای اجتماعی برای افراد بسیار محروم، زندگی در شأن خود داشته باشند (فروعی‌نیا و تقوی مرمت، ۱۳۹۳: ۱۳۹)

غذای سالم و امنیت غذایی از جمله حقوق زیرمجموعه‌ی حق سلامت است که حکومت‌ها موظف به تأمین آن هستند. این مسأله در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی نیز آمده و مورد تأکید جامعه‌ی جهانی است اما بنا به اظهار کمیته‌ی پیگیری این حقوق در سازمان ملل، هنوز فاصله‌ی زیادی میان واقعیت و آنچه در این میثاق تأکید شده وجود دارد. ایران نیز به‌عنوان یکی از کشورهای در حال توسعه از امضاکنندگان این میثاق است و مسأله‌ی غذا و تأمین امنیت آن در قانون اساسی حقوق شهروندی و قانون کار نیز آمده است. با این حال، عدم پایبندی به این تعهدات باعث شده که همواره خطرهای بسیاری سلامت غذایی شهروندان را در ایران تهدید کند. (میرعباسی و اسفندیاری، ۱۳۹۳).

در ماده ۱۱ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی آمده که کشورهای طرف این میثاق «حق هر کس را به داشتن سطح زندگی کافی برای خود و خانواده‌اش شامل خوراک - پوشاک و مسکن کافی هم‌چنین بهبود مداوم شرایط زندگی به رسمیت می‌شناسند». در بخش دوم همین ماده نیز تأکید شده که این کشورها «با اذعان به حق اساسی هر کس به این‌که از گرسنگی فارغ باشد منفرداً و از طریق همکاری بین‌المللی تدابیر لازم از جمله برنامه‌های مشخصی به قرار ذیل اتخاذ خواهند کرد: الف - بهبود روشهای تولید و حفظ و توزیع خواربار با استفاده کامل از معلومات فنی و علمی با اشاعه اصول آموزش تغذیه و با توسعه یا اصلاح نظام زراعی به‌نحوی که حداکثر توسعه مؤثر و استفاده از منابع طبیعی را تأمین نمایند. ب - تأمین توزیع منصفانه ذخایر (منابع) خواربار جهان بر حسب حوائج با توجه به مسائل (مبتلا به) کشورهای صادر کننده و وارد کننده خواربار (غذا)». در اصل ۴۳ قانون اساسی ایران نیز حق بر غذا پذیرفته شده است. در این اصل مقرر شده که برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او اقتصاد جمهوری اسلامی ایران براساس تأمین نیازهای اساسی مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه و غیره استوار می‌شود. این اصل دولت را موظف به تأمین نیازهای اساسی افراد نموده است و همه افراد جامعه از هر قشر و مذهبی را در بر می‌گیرد. دولت ایران علاوه بر این‌که در قانون اساسی خود حق بر غذا را به رسمیت شناخته است. جمهوری اسلامی ایران، اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون حقوق کودک را پذیرفته است و از همین رو ملزم به رعایت حق غذا در مورد همه انسانها و همه کودکان است (جمشیدی، ۱۳۹۰: ص ۳۶).

۵- نهادهای مرتبط فعال در خصوص حق بر غذا در سازمان های بین‌المللی

در ذیل، بیان می‌نماییم، اساساً حق بر غذا چه جایگاهی در تعهدنامه های بین‌المللی دارد. شایان ذکر است که نخستین بار در اعلامیه جهانی حقوق بشر به حق نسبت به غذا اشاره شد. هم‌چنین (ماده ۲۵) حق نسبت به غذا، به روشنی در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ماده

۱۱)، کنوانسیون حقوق کودک (ماده (C) ۲۴) و کنوانسیون حقوق اشخاص دارای معلولیت^۲ (ماده (f) ۲۵ و بند ۱ ماده ۲۸) بیان شده و در مواد کلی راجع به استانداردهای کافی زندگی در کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (بند (h) ۲ ماده ۱۴) و کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض نژادی^۳ (ماده (e) ۵) به طور ضمنی بیان شده است.

حق نسبت به غذا، به طور جامع و به روشنی در ماده (۱) ۱۱ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به رسمیت شناخته شده است. دولت‌های عضو میثاق «حق هر انسان نسبت به برخورداری از استانداردهای کافی زندگی برای خود و خانواده‌اش شامل غذا، پوشاک، و مسکن کافی و هم‌چنین بهبود مداوم شرایط زندگی» به رسمیت می‌شناسد و کشورهای عضو این میثاق، به منظور تأمین تحقق این حق تدابیر مقتضی را اتخاذ خواهند کرد.

در ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر در خصوص حق غذا و ارتباط آن با برقراری صلح و امنیت بین‌المللی چنین آمده است «هرکس حق دارد که سطح زندگی و سلامتی و رفاه خود و خانواده‌اش را از حیث خوراک، مسکن و مراقبت‌های پزشکی و خدمات لازم اجتماعی تأمین نماید»^۴ بنابراین به وضوح دیده می‌شود که در اعمال تحریم‌های متعدد علیه کشورمان این حق نیز نقض شده است. هم‌چنین بر اساس بند ۱ ماده ۱۱ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که می‌گوید «کشورهای طرف این میثاق حق هر کس را به داشتن سطح زندگی کافی برای خود و خانواده‌اش شامل خوراک، پوشاک و مسکن کافی و هم‌چنین بهبود مداوم شرایط زندگی به رسمیت می‌شناسد. لازم به توضیح است که کمیته اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل متحد بر اساس بند ۴ از تفاسیر شماره ۱۲ خود حق بر غذا حق مرتبط با کرامت انسانی دانسته است.^۵ بنابراین جمهوری اسلامی ایران موظف به رعایت حق بر غذا و تأمین آن با توجه به پذیرش تعهدنامه‌های بین‌المللی است.

^۲ . Convention on the Rights of Persons with Disabilities (CRPD).

^۳ International Convention on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination (ICERD).

^۴ Everyone has the right to a standard of living adequate for the health and well-being of himself and of his family, including food, clothing, housing and medical care and necessary social services, and the right to security in the event of unemployment, sickness, disability, widowhood, old age or other lack of livelihood in circumstances beyond his control (Article ۲۵, International Standards on the Right to Food)

یکی از مهمترین نهادها در رابطه با حق بر غذا و امنیت غذایی، کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل^۶ است. این کمیته به موجب قطعنامه ۱۹۸۵/۱۷ شورای اقتصادی و اجتماعی تأسیس شد. کمیته متشکل از ۱۸ کارشناس مستقل است که توسط شورای اقتصادی و اجتماعی برای یک دوره چهارساله انتخاب می‌شوند. این کمیته، به‌عنوان رکن ناظر بر اجرای میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است.

یکی از فعالیت‌های اصلی کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، روشن کردن محتوای حقوق مندرج در میثاق از طریق اتخاذ یک سری «تفاسیر کلی» است و رکنی است که وظیفه انحصاری تفسیر قواعد مندرج در میثاق را بر عهده دارد. کمیته تفاسیر کلی متعددی را از جمله تفسیر کلی شماره ۱۲ در مورد حق بر غذای کافی ارائه داده است. بر اساس این تفسیر، کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در تشریح عناصر حق بر غذا مقرر می‌کند که رژیم غذایی در کل باید حاوی ترکیبی از عناصر لازم برای رشد جسمی و ذهنی و فعالیت فیزیکی باشد که مطابق نیازهای فیزیولوژیکی انسانی در تمامی مراحل در سراسر چرخه حیات و طبق جنسیت و شغل است (Knuth, ۲۰۱۱: p ۴۲). در میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به‌طور واضح ذکر نشده است، اما حق نسبت به آب هم به شکل غیر مستقیم با حفاظت از تعدادی از حقوق مرتبط است و زیربنای حق نسبت به سلامت در ماده ۱۲ میثاق و حق نسبت غذا در ماده ۱۱ میثاق است و به‌طور ضمنی از آن‌ها برداشت می‌شود. حق نسبت به مسکن و جای کافی برای زندگی، به‌طور جامع در ماده ۱۱ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، به‌عنوان یک جزء از حق نسبت به حداقل استاندارد زندگی ارج نهاده شده است. هم‌چنین، ماده ۱۲ میثاق حق هر انسان نسبت به «برخوردار شدن از بالاترین استاندارد سلامت جسمی و روحی» را به رسمیت می‌شناسد (Block, ۲۰۱۲: p ۸۷).

هم‌چنین سازمان خوار و بار و کشاورزی ملل متحد^۷ یکی از سازمان‌های تخصصی ملل متحد است که در زمینه حق بر غذا فعالیت‌های بسیار گسترده‌ای انجام داده است. هدف این سازمان به موجب اساسنامه آن، «ارتقاء سطح تغذیه و استاندارد زندگی ... و از این‌رو تضمین رهایی بشریت از گرسنگی است.» سازمان خوار و بار و کشاورزی ملل متحد در سال ۲۰۰۴، «راهنمای داوطلبانه برای حمایت از تحقق تدریجی حق نسبت به غذای کافی» را ارائه نمود (Schanbacher, ۲۰۱۸: p ۳۴). هدف از این راهنما، ارائه رهنمودهای عملی به دولت‌ها در تحقق تدریجی حق نسبت به غذای کافی در چارچوب امنیت غذایی ملی است. این راهنما شامل طیف وسیعی از اقدامات در سطح ملی است که از طریق آن‌ها تلاش می‌شود محیط مساعدی پدید آید تا افراد بتوانند در عین حفظ کرامت و شأن انسان، غذای کافی به دست آورند و آن‌هایی که قادر به این کار نیستند نیز بتوانند از

^۶ International Convent On Economic, Social And Cultural Rights

^۷ FAO

این حق بهره‌مند شوند. تهیه این راهبردها محصول فعالیت یک گروه کاری بین دولتی است که در سال ۲۰۰۲ توسط شورای فائو ایجاد شد.

در حال حاضر سازمان خوار و بار و کشاورزی (FAO)، صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی (IFAD)، و برنامه جهانی غذا (WFP)، از طریق منابع مالی تسهیلات غذای اتحادیه اروپا (EUFF)،^۸ به بیش از دو میلیون نفر که بیشترین آسیب را از بحران جهانی قیمت غذا، ناشی از تغییرات اقلیمی، دیده‌اند کمک کرده‌اند. در کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان^۹، حق نسبت به سلامت مورد توجه قرار گرفته است (ماده ۴) و دسترسی به خدمات مربوط به آب در مواد راجع به «آب آشامیدنی سالم» به عنوان بخشی از اقداماتی که دولت‌ها باید برای مقابله با بیماری و سوء تغذیه اتخاذ کنند به روشنی مورد اشاره قرار گرفته است (Knuth, ۲۰۱۱: p ۴۲). (بند ۲(h) ماده ۱۴) حق نسبت به غذا و حق نسبت به مسکن نیز در مواد کلی راجع به استانداردهای کافی زندگی در کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (بند ۲(h) ماده ۱۴) به طور ضمنی بیان شده است (Altieri, ۲۰۱۱: p ۴).

۶- امنیت غذایی و مؤلفه‌های آن

امنیت غذایی و ایمنی غذا از واژه‌هایی مهم و کاربردی است که امروزه در اسناد توسعه‌ای به آن پرداخته شده است و از سوی مسؤولان به کار گرفته می‌شود. امنیت غذایی به دسترسی همه افراد یک جامعه، در تمام ادوار عمر به غذای کافی و سالم برای داشتن زندگی سالم و فعال گفته می‌شود و درآمد خانوار از عوامل مهم در تأمین امنیت غذایی در یک نظام اجتماعی می‌باشد. عامل مهم دیگر در تأمین امنیت غذایی جامعه، ذائقه و دانش تغذیه‌ای خانواده‌ها در نحوه تخصیص بودجه برای تهیه بهترین نوع غذای در دسترس و چگونگی تقسیم غذا در خانواده می‌باشد. امنیت غذایی زمانی تأمین می‌شود که سرانه سبد غذایی خانواده به صورت صحیح انتخاب و تهیه شود، برای افراد خانواده کافی و به صورت صحیح طبخ شود تا عناصر و مواد غذایی سالم و صحیح به سلولها و اندام‌های بدن برسد. برای تأمین امنیت غذایی در یک کشور و نظام اجتماعی باید سازمان‌ها و نهادها با هم همکاری داشته باشند و با هماهنگی یک سازمان متولی امنیت غذایی، بر تولید یا واردات مواد و محصولات غذایی، آموزش و تبلیغ و آگاهی دادن به جامعه و سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی نقش ایفا کنند. سازمان مسئول امنیت غذایی باید نسبت به نوع مواد غذایی، میزان و قیمت آن‌ها همیشه مطلع باشد و بررسی کند که همه مردم از نظر فیزیکی به این غذا دسترسی داشته باشند و درآمدشان به قدری باشد که بتوانند این غذا را بخرند و این سازمان در صورت بروز بحران باید زنگ خطر را به صدا درآورد و اندازه‌گیری این امنیت را بر عهده بگیرد.

^۸ . European Union's Food Facility (EUFF)

^۹ Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women

منشأ فکری امنیت غذایی به بحران غذا در جهان در اوایل دهه ۱۹۷۰ بر میگردد. (قاسمی، ۱۳۷۳: ۱۲) در آغاز دهه ۱۹۷۰، تولید مواد غذایی در کشورهای در حال توسعه کاهش یافت و باعث افزایش بیثباتی و عدم تعادل بین جمعیت و غذا در جهان شد. به دلیل جلوگیری از عواقب وخیم این بحران کنفرانس جهانی غذا به ابتکار سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۴ تشکیل شد که در آن به امنیت غذایی در سطح جهان و به تبع آن در سطح دولتها تأکید شد (مبینی دهکردی، ۱۳۸۳: ۴۸). کنفرانس جهانی غذا در سال ۱۹۷۴، امنیت غذایی را چنین تعریف کرد: "عرضه متمرکز کالاهای اساسی غذایی به منظور بهبود مداوم مصرف غذا و ختنی کردن اثرات ناشی از نوسانات تولید و قیمت". توجه دقیق به این تعریف نشان می‌دهد که ابزار عمده تأمین امنیت غذایی عرضه مستمر کالاهای اساسی غذایی تلقی می‌شود.

با افزایش مداوم جمعیت دنیا، نیاز به مواد غذایی روز به روز با سرعتی شگرف افزایش می‌یابد. تأمین مواد غذایی این جمعیت و بررسی مسائل مربوطه، نیاز به کوشش و پیگیری در زمینه کشاورزی و علوم وابسته دارد. گروه‌های بشر دوستانه و سازمانهای توسعه و به طور کلی دولتها برای ارزیابی اثرات برنامه‌ریزی‌هایشان و هدفمند کردن تصمیماتشان به طور فزاینده‌ای نیاز به اندازه‌گیری امنیت غذایی در سطح خانوارها دارند. بنابراین، امنیت غذایی هنگامی وجود دارد که همه مردم در تمام زمانها به غذای کافی، سالم و مغذی دسترسی فیزیکی، (اجتماعی) و اقتصادی داشته باشند و غذای در دسترس، نیازهای رژیم تغذیه‌ای سازگار با ترجیحات آنان را برای یک زندگی فعال و سالم فراهم سازد. هم‌چنین اطلاع از شیوع و پایش ناامنی غذایی میتواند به سیاستگذاران، سازمانهای توسعه و سایر نهادهای متولی سلامت جامعه برای طراحی برنامه‌ها کمک ارزنده‌ای داشته باشد. (میرعباسی، ۱۳۹۵).

با توجه به تعریف امنیت غذایی، موجود بودن غذا، دسترسی به غذا و پایداری در دریافت غذا سه رکن اصلی می‌باشند. در امنیت غذایی بحث ایمنی غذا بسیار حائز اهمیت می‌باشد. ایمنی غذایی یعنی اطمینان از این‌که غذایی که مردم جامعه استفاده می‌کنند به‌طور کامل سالم و فاقد هرگونه آلودگی باشد؛ این آلودگی می‌تواند شامل آلودگی میکروبی، انگلی یا شیمیایی باشد. بررسی‌های علمی نشان می‌دهد که در دهه‌های اخیر با گسترش تکنولوژی و افزایش مصرف افزودنی‌ها، آفت‌کشها، آنتی‌بیوتیکها و هورمونها در تولید مواد غذایی در کشورهای در حال پیشرفت، اثرات سوء و انکارناپذیری بر سلامت انسانها به وجود آمده‌است. این آلودگی‌ها و بیماری شامل بروز انواع ناهنجاری‌های مادرزادی و سرطانها به ویژه در کودکان می‌باشد.

نیل به امنیت غذایی بیش از هر چیز دیگری توجه ما را به اصلاح الگوی مصرف جلب می‌کند، حجم زیاد ضایعات نان، اتلاف زیاد منابع آبی به دلیل استفاده روش‌های نادرست آبیاری کشاورزی و از جهت دیگر عدم توجه به نگهداری مناسب از محصولات زراعی و باغی از مصادیق نگران کننده در این زمینه است. مرکز بین‌المللی تحقیقات سیاست‌های غذا در آمریکا در گزارش سال ۲۰۱۸ چالش‌های امنیت غذایی را چنین بیان کرد:

شوک‌های شدید آب‌وهوایی به‌ویژه موارد انسان‌ساخت: تغییرات آب‌وهوا منجر به افزایش ۴۰ تا ۱۷۰ میلیونی در تعداد افراد مبتلا به سوء‌تغذیه در کل دنیا می‌شود. در حالی که افزایش دما در مناطق با عرض جغرافیایی بیشتر می‌تواند با افزایش محصول همراه باشد، در مناطق پایین‌تر (که اغلب کشورهای در حال توسعه در آن واقع هستند) عواقب منفی را به دنبال دارد. (ظهیری و عبقری، ۱۳۸۷). ناپایداری قیمت مواد غذایی: از قیمت کود و مصرف انرژی در مزرعه و هزینه‌های حمل و نقل گرفته تا استفاده از محصولات کشاورزی برای تولید سوخت که به‌تنهایی مهم‌ترین علت افزایش قیمت مواد غذایی در سال‌های اخیر است. کمبود آب: نیم میلیارد نفر از مردم دنیا در کشورهایی زندگی می‌کنند که به‌طور مزمین دچار کم‌آبی هستند و در سال ۲۰۵۰ این رقم به ۴ میلیارد نفر خواهد رسید. نه تنها به سبب تغییرات آب‌وهوا بلکه به دلیل استفاده بی‌رویه از آب رودخانه‌ها، دریاچه‌ها و منابع زیرزمینی. بروز قحطی به خاطر جنگ و ناآرامی: حدود یک و نیم میلیارد نفر و حدود ۴۲ درصد افراد فقیر روی این زمین‌ها زندگی می‌کنند. بهره‌برداری و فرسایش بیش از حد از زمین: حدود ۲۴ درصد زمین‌های کشاورزی دنیا تحت تأثیر فرسایش قرار گرفته و یک درصد از بهره‌دهی خارج شده، یعنی ۲۰ میلیون تن از تولید غلات در سال کاسته شده است. رشد بالای جمعیت: رشد جمعیت باعث افزایش تقاضا و نیاز به مواد غذایی بیشتر در جامعه بین‌المللی می‌شود. تحولات سیاسی: تحولات سیاسی منطقه خاورمیانه به دلیل بیداری اسلامی (بهار عربی) کشورهای این منطقه را از منظر غذایی ناامن می‌کند.

۷- پاسخ‌های کنشی (غیرکیفری) در جهت تأمین امنیت غذایی

۷-۱- قانون اساسی

در بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی، اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین مقرر شده است. سیاست‌ها و تدابیری که در خصوص پیشگیری از وقوع رفتارهای انحرافی در حوزه غذا وجود دارد را می‌توان تحت دو عنوان تدابیر مربوط به برنامه ریزی و تدابیر تقنینی اجرایی آورد. برای پیشگیری از جرایم و تخلفات در حوزه مواد خوراکی و آشامیدنی، قانون‌گذار در سیاست‌های کلی ابلاغی برنامه‌های توسعه کشور و هم‌چنین در قوانین عادی تدابیری را اتخاذ کرده تا ضمن برقراری نظم و انضباط در جامعه، تدوین ضوابط مربوط به کالای سالم و بهداشتی، نحوه تاسیس کارخانجات تولید کالا و صدور پروانه و تشریفات آن و هم‌چنین نحوه نگهداری، توزیع و فروش کالاهای خوراکی و آشامیدنی، امکان هر گونه سوءاستفاده در این حوزه را به حداقل برساند. در واقع تدابیر قانون‌گذار در این بخش را می‌توان تحت عنوان تدابیر پیشگیری وضعی به شمار آورد که به موجب آن موقعیتهای و فرصتهای ارتکاب جرم محدود می‌شود. این تدابیر مربوط به برنامه‌ریزی هستند. نمونه بارز آن برنامه ششم توسعه یا مقرراتی است که در نظام صنفی در خصوص ضرورت جلوگیری از تقلب و غش در معامله

آمده؛ مضافاً ضوابطی که در قانون مواد خوراکی و آشامیدنی در خصوص جرم‌انگاری رفتارهای انحرافی در این حوزه در ماده ۱ ذکر شده است.

۲-۷- سیاست‌های کلی محیط‌زیست

مقوله محیط‌زیست و تحقق اهداف آن با امنیت غذایی رابطه ناگسستنی دارد. تجربه امنیت غذایی در سایر کشورها از جمله چنین بیانگر این است که تحقق امنیت غذایی نیازمند مدیریت منابع محیطی و زیست محیطی است. اهم چشم‌اندازهای سند یاد شده عبارت است از استفاده عادلانه از منابع محیط‌زیستی، گسترش اقتصاد سبز و نهادینه نمودن فرهنگ زیست محیطی مبتنی بر الگوها و ارزش‌های ایرانی اسلامی، مشارکت و مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ... می‌باشد.

۳-۷- سیاست‌های کلی و قوانین برنامه‌های پنجم توسعه

سیاست‌های کلی و قوانین برنامه‌های توسعه ملی از برنامه توسعه ملی سوم تا ششم، مسیری را طی نموده است که تأکید بر نیل به امنیت غذایی در ایران دارد. زیر ساخت‌های تأمین امنیت غذایی در این برنامه بر نفعی فرصت‌های مجرمانه و نفعی عوامل ناامنی غذایی تأکید دارد. سیاست مقنن در قانون برنامه پنجم توسعه (مصوب ۱۳۸۹)، تعریف رسالت‌های آموزشی- فرهنگی و تدابیر برنامه‌های حمایتی پیشگیرانه در جهت تأمین امنیت غذایی با تأکید بر زیر ساخت‌های اجتماعی و فرهنگی، اطلاع‌رسانی به مردم افزایش سواد تغذیه‌ای مردم، نظارت‌های ایمنی و بهداشتی بر صادرات و واردات و سایر الزامات امنیت غذایی بوده است (مواد ۲۰۳ الی ۲۰۹). برخلاف برنامه پنجم توسعه، برنامه ششم توسعه مستقیماً به امنیت غذایی اشاره نموده است که از این جهت قابل تقد است. هرچند در سرفصل اجتماعی به فرهنگ‌سازی و اجرای سیاست‌های کلی سلامت و سیاست‌های کلی جمعیت اشاره شده است که هر دو از الزامات امنیت غذایی می‌باشد. برنامه ششم توسعه (مصوب ۱۳۹۵) با عنوان کشاورزی به موضوع امنیت غذایی اختصاص یافته است. مقنن ایرانی ۱۳ اقدام را به دولت در خصوص نیل به خود کفایی ۹۵ درصدی در محصولات زراعی، دامی و آبی، تحقق تراز تجاری مثبت، تکمیل و توسعه زنجیره‌های تولید و گسترش صادرات، به دولت تحمیل نموده است (کوشا و قاجلو، ۱۳۹۷: ۱۴۱).

۴-۷- نظارت و الزام به استاندارد سازی مواد خوردنی

طبق ماده یک قانون اصلاح قوانین و مقررات مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران مصوب ۱۳۷۱ به منظور تعیین، و تدوین و نشر استانداردهای (رسمی) و نظارت بر اجرای آن‌ها و ... مؤسسه فوق تشکیل می‌گردد. بازرسان و کارشناسان مؤسسه بر اساس ماده ۱۳ قانون مجاز هستند به دستور مؤسسه به محل‌های تولید، بسته‌بندی، تمرکز، عرضه و فروش کالاها و یا خدمات مشمول استانداردهای اجباری وارد شده و به بازرسی و نمونه برداری بپردازند.

۵-۷- نظارت بر دام و فراوده های دامی

سازمان دامپزشکی کشور که در زیر مجموعه خود ادارات کل دامپزشکی استان را دارد و در مواردی بر اساس قانون، مسئولیت نظارت و بازرسی در بعضی از مواد غذایی و خوردنی را به عهده دارند. این سازمان هم اکنون وابسته به وزارت جهاد کشاورزی می‌باشد. وظایف سازمان دامپزشکی کشور در خصوص مواد خوراکی بر اساس قانون سازمان دامپزشکی کشور مصوب ۱۳۵۰ بررسی بیماری‌های دامی، شناسایی مناطق و منابع آلوده و راه سرایت و طرز انتشار بیماری‌ها (بندالف از ماده ۳ قانون)، تأمین بهداشت دام کشور از طریق پیشگیری و مبارزه با بیماری‌های همه‌گیر و قرنطینه‌ای دام (بند ب از ماده ۳ قانون)، تأسیس پست‌های قرنطینه‌ای در نوار مرزی و داخل کشور به منظور جلوگیری از سرایت بیماری‌های دامی، هم‌چنین کنترل بهداشتی ورود و خروج دام و فرآورده‌های خام دامی (طبق بند ۱ از ماده ۳ قانون)، نظارت در نقل و انتقال دام و فرآورده‌های خام دامی و صدور گواهی بهداشتی در خصوص آن‌ها (طبق بند ۲ از ماده ۳ قانون)، نظارت بهداشتی محل نگهداری دام و سایر تأسیسات پرورش دام و کارخانه‌های تولید خوراک دام از لحاظ بهداشتی (طبق بند ۳ از ماده ۳ قانون) و نظارت بهداشت کشتارگاه‌ها و کارخانه‌های تولید و تهیه فرآورده‌های خام دامی، می‌باشد.

۶-۷- نظارت بر کلیه کالاها و فرآورده‌های تولیدی

اداره کل نظارت و بازرسی کارشناسان و بازرسان بر کلیه کالاها و فرآورده‌های تولیدی نظارت دارند که یکی از موارد نظارت این اداره مربوط به مواد خوراکی است. در این خصوص بر مواردی چون رعایت ضوابط و مقررات استاندارد، فرمول ساخت، بسته‌بندی، بر حسب اطلاعاتی، شماره پروانه ساخت، تاریخ تولید و مصرف، عرضه و فروش در شرایط بهداشتی و ... نظارت دارند.

۷-۷- پیشگیری توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

در خصوص تقلب در مواد خوردنی بر اساس بندهای ماده یک قانون فوق وظایف وزارتخانه مذکور در برابر مواد غذایی و خوردنی به شرح زیر است: تعیین و اعلام استانداردهای مربوط به مواد خوردنی (طبق قسمت (ب) بند ۱ (از ماده یک قانون)، تعیین و اعلام استانداردهای مربوط به بهداشت کلیه مؤسسات خدماتی و تولیدی مربوط به مواد غذایی (طبق قسمت ج بند ۱ از ماده یک قانون)، صدور، تمدید، لغو موقت یا دائم پروانه‌های ساخت فرآورده‌های خوراکی (طبق قسمت دوم بند ۱۲ از ماده یک قانون)، انجام نظارت و کنترل کیفی فرآورده‌های خوراکی (طبق بند ۱۳ از ماده یک قانون)، تعیین ضوابط و مقررات لازم برای مؤسسات تولید مواد خوراکی (طبق قسمت دوم بند ۱۳ از ماده یک قانون)، تعیین ضوابط و مقررات لازم برای ساخت فرآورده‌های خوراکی (طبق قسمت دوم بند ۱۳ از ماده یک قانون) و تعیین ضوابط مربوط به ورود، ساخت، نگهداری، صدور و انهدام مواد اولیه خوراکی (طبق بند ۱۷ از ماده یک قانون).

۸- پاسخ‌های واکنشی (کیفری) کیفری در حوزه تأمین امنیت غذایی

پاسخهای کیفی در جرایم مختلف از جمله جرایم ارتكابی در حوزه امنیت غذایی، می‌تواند به‌عنوان جایگزین مناسبی در مقابل رویکرد سرکوبگرانه و در جهت پیشگیری از وقوع این جرایم و از بین بردن موقعیت‌های جرّمزا، مورد توجه قرار گیرد.

قانون‌گذار تا جایی که ممکن است نباید به اقدامات سرکوبگرانه متوسل شود، زیرا خسارت‌های ناشی از اجرای تدابیر سرکوبگرانه که به جامعه، خانواده مرتکب جرم و شخص مرتکب جرم وارد میشود، کم نیست. به همین دلیل رویکرد اخیر قانون‌گذار در ایران مانند سایر کشورها در جهت جرم‌زدایی و کاهش رفتارهای انحرافی و پیش‌بینی تدابیر غیرکیفری است. با این حال از آنجا که برخی از رفتارهای مجرمانه صدمات شدیدی به جامعه وارد می‌کنند، قانون‌گذار ناگزیر است برای پیشگیری از جرم با ارباب مرتکب جرم و سایرین از یک‌سو و تنبیه و تربیت مجرم از سوی دیگر به اقدامات تلافی‌جویانه سرکوبگر متوسل شود (معاونت آموزش قوه قضاییه، ۱۳۸۷: ۲۰). تدابیر کیفری تنبیهی را با توجه به تقسیم‌بندی قانون مجازات اسلامی می‌توان به مجازات حد، قصاص، دیه و تعزیر تقسیم نمود که مرتکبان جرایم حوزه مواد خوراکی و آشامیدنی در صورت اثبات جرم، حسب مورد به یکی از این مجازات‌ها محکوم می‌شوند.

۸-۱- مجازات اعدام

در قانون مجازات اخلاک‌گران مصوب ۱۳۶۹، رفتارهای احتکار که به قصد مقابله با نظام و با علم به مؤثر بودن رفتار ارتكابی می‌باشد با عنوان افساد فی الارض جرم‌انگاری شده است. سیاست کیفری سرکوبگر با رویکرد تسامح صفر با رفتارهای پرخطر حوزه امنیت غذایی جرم‌انگاری مجزا عنوان افساد فی الارض در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ تبلور یافت. مقنن در ماده ۲۸۶ قانون مزبور، مرتکبان رفتارهای مخاطره‌آمیزی از جمله پخش گسترده مواد سمی و میکروبی خطرناک را به‌طوری که سبب اختلال عمده در نظم عمومی کشور، ناامنی و ورود صدمه گردد با عنوان افساد فی الارض مجازات اعدام را برای آن در نظر گرفت.

این مجازات در ماده ۳ قانون مواد خوراکی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی اصلاحی ۱۳۵۳/۱۲/۱۸ بیان شده است. به موجب این ماده در صورتی که مصرف مواد خوراکی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی منجر به فوت مصرف‌کننده شود، مجازات سازنده، تهیه‌کننده یا مخلوط‌کننده اعدام است و در سایر موارد مذکور در ماده ۱ در صورتی که منجر به فوت شود، مجازات مرتکب ۳ تا ۱۵ سال حبس جنایی درجه یک است که این مجازات در مواردی است که قصاص نفس به هر دلیل اجرا نشده و مرتکب، شرایط مذکور در ماده ۳ را دارا باشد (به‌عبارت دیگر تحقق عناصر مادی و معنوی جرم محقق باشد).

هم‌چنین مجازات مقرر در ماده ۱۱۵ قانون مجازات نیروهای مسلح مصوب سال ۱۳۸۲ برای مرتکبان (نظامیان) متقلب در مواد خوراکی، در صورت ورود لطمه جبران‌ناپذیر، اعدام است.

نحوه اجرای مجازات اعدام به موجب آیین‌نامه مربوط به این امر تحت عنوان آیین‌نامه نحوه اجرای احکام قصاص، رجم، قتل، صلب اعدام و شلاق مصوب ۱۳۸۲/۶/۲۷ تابع تشریفات خاصی است. لازم به ذکر است این نوع مجازات جزء مجازاتهای اصلی تعزیری به شمار می‌آید.

۸-۲- مجازات حبس

اگر مواد غذایی و خوردنی تقلبی مندرج در بندهای شش‌گانه ماده ۱ به دست مصرف‌کننده نرسد یا به دست مصرف‌کننده برسد و موجب بیماری یا آسیب او نگردد مجازات اشخاص داخل در جرم به شرح زیر است که از مصادیق حبس کوتاه مدت می‌باشد:

۱- سازنده یا تهیه‌کننده یا مخلوط‌کننده مواد تقلبی به حبس از ۲ تا ۵ سال محکوم می‌شوند (مسبب اصلی جرم) (بند ۱ ماده ۲ قانون مواد خوردنی و... اصلاحی ۱۸/ ۱۲/ ۱۳۵۸).

۲- مرتکبین جرم (فروشنده یا عرضه‌کننده) به حبس از ۳ ماه تا ۱ سال محکوم می‌شوند. در برخی موارد مجازات مرتکب تقلب در مواد خوردنی حبس بلند مدت است که در زیر به این موارد اشاره می‌نماییم. در صورتی که مصرف مواد غذایی و خوردنی تقلبی و آلوده مندرج در ماده ۱ قانون موجب نقص عضو یکی از اعضای مصرف‌کننده گردد به شرح ذیل مجازات می‌شود:

۱- سازنده یا تهیه‌کننده یا مخلوط‌کننده مواد غذایی و خوردنی به حبس از ۵ سال تا ۱۵ سال محکوم می‌شوند.

۲- مرتکب جرم (فروشنده و عرضه‌کننده) به حبس از ۳ سال تا ۱۰ سال محکوم می‌شوند.

۸-۳- جزای نقدی

از مجازاتهای رایج تعزیری است که به نحوه گسترده توسط اغلب قانون‌گذاران کشورهای مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد. هر چند تعیین و اعمال این مجازات در میان نظریه پردازان حقوق کیفری مخالفانی نیز دارد، اما قانون‌گذار به این مخالفت‌ها توجهی نکرده و به جهت مثبت این مجازات در مقایسه با سایر مجازاتها از قبیل حبس یا شلاق عنایت داشته است.

پاره‌ای از مواردی که قانون‌گذار در حوزه مواد خوراکی و آشامیدنی جزای نقدی پیش‌بینی کرده است عبارتند از؛ تبصره ۱ ماده ۲ قانون مواد خوراکی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی مصوب سال ۱۳۴۶ که مقرر داشته در کلیه جرایم مواد خوراکی و آشامیدنی با مجازات غیر از اعدام، مرتکب علاوه بر مجازات مقرر به پرداخت جزای نقدی از ۲۰ هزار تا ۵۰۰ هزار ریال محکوم شود. هم‌چنین در ماده ۳ همین قانون، مرتکب تخلف از مقررات بهداشتی (عدم رعایت بهداشت فردی و وضع ساختمان) به ۲۵ هزار تا ۵۰۰ هزار ریال جریمه نقدی به ازای هر مورد نقض مقررات بهداشتی محکوم شده است. در قانون اصلاح قوانین و مقررات مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران مصوب سال ۱۳۷۱ نیز در مواد ۱۰، ۱۱، و ۱۲، شخص حقیقی و حقوقی که دارای مقیاس، اوزان و وسایل سنجش قلب باشد یا با آنها دادوستد نماید، به جزای

نقدی از ۲۰۰ هزار تا ۱۰ میلیون ریال محکوم می‌شود و کسانی که مشخصات فرآورده‌های مضمول استاندارد اجباری را پس از تهیه و تولید یا ساخت تغییر دهند یا جنسی را به جای جنس دیگر عرضه نمایند یا به قصد تقلب برگه‌های آزمایش یا پروانه را در غیر مورد، استفاده نمایند یا علامت استاندارد را بدون دریافت پروانه روی محصولات خود درج نمایند، علاوه بر مجازات مقرر، به جزای نقدی از یک میلیون تا ۵۰ میلیون ریال محکوم می‌شوند. ضمناً در کلیه جرایم حوزه مواد خوراکی در صورتی که مصرف مواد خوراکی ناسالم موجب بیماری شود، با توجه به مدت معالجه، نقص عضو و فوت مصرف‌کننده، مرتکب علاوه بر مجازاتهای حبس مقرر به جزای نقدی از ۵۰۰ هزار تا ۱۰ میلیون ریال محکوم خواهد شد.

هم‌چنین قانون تعزیرات حکومتی در امور بهداشتی و درمانی مصوب سال ۱۳۶۷ در کنار مجازاتهایی از قبیل تعطیلی واحد، ضبط کالا، تعطیلی خط تولید و غیره، مجازات جزای نقدی (جریمه) مقرر شده است. به‌عنوان مثال در ماده ۳۱ این قانون در صورت عدم اخذ پروانه، متخلف براساس مرتبه ارتکاب جرم به مجازات تعطیلی واحد تولیدی غیرمجاز و ضبط کالا در مرتبه اول و در مرتبه دوم و سوم علاوه بر مجازات مرتبه اول به جریمه نقدی تا مبلغ ۱۰ میلیون ریال محکوم می‌شود. بنابراین در کلیه تخلفات مقرر در قانون مذکور مرتکب در کنار مجازاتهای دیگر جزای نقدی هم دارد.

همین‌طور در مواد ۵۷، ۵۸، ۵۹ و ۶۲ قانون نظام صنفی مصوب سال ۱۳۸۲، برای مرتکبان تخلفهای گران‌فروشی، کم‌فروشی، تقلب از لحاظ کیفیت یا کمیت منطبق با مشخصات کالا و نیز عرضه و فروش کالای قاچاق با عنایت به دفعات تکرار، علاوه بر مجازاتهایی از قبیل جبران خسارت، نصب پارچه یا تابلو بر سر در محل کسب به‌عنوان متخلف، تعطیلی محل کسب، ضبط کالا، تعطیلی واحد تولید و غیره، به جزای نقدی نیز محکوم خواهند شد.

در ماده ۲۲ قانون قاچاق کالا و ارز مصوب سال ۱۳۹۲ هم، مرتکب جرم قاچاق مواد خوراکی و آشامیدنی تقلبی، فاسد، تاریخ گذشته یا مضر به سلامت مردم، در کنار ضبط کالا، با توجه به میزان ارزش آن به جزای نقدی از یک تا ۱۰ برابر ارزش کالای قاچاق محکوم می‌شود و در صورتی که مواد خوراکی و آشامیدنی مصرف‌انسانی داشته باشد بنا به ماده ۱۸ همین قانون به جزای نقدی یک تا ۳ برابر ارزش کالا محکوم می‌شود.

نتیجه‌گیری

حق بر غذا معانی گسترده‌ای را در ذیل خود دارد مانند حق انسان در دسترسی غذای سالم و بهداشتی و این وظیفه‌ای است که بر عهده دولت‌هاست. غذای انسان از آب و خاک بدست می‌آید و آلوده کردن آنها سبب اختلال در تأمین مواد غذایی خواهد شد به خوبی واضح است که بین امنیت غذایی حق بر محیط‌زیست موضوع ارتباط تنگاتنگی وجود دارد.

در خصوص موضوع، پیشگیری‌های غیرکیفری در ایران، بیشتر در سیاست‌های نظام از جمله سیاست‌های کلی برنامه‌های توسعه پنج ساله، مبتنی بر تقویت زیر ساخت‌های اجتماعی، فرهنگی، کشاورزی و آموزش و ارتقای سواد تغذیه‌ای آحاد جامعه می‌باشد که تقویت زیرساخت‌ها خود نیازمند هماهنگی جمعی از ارگان‌ها می‌باشد. سیاست‌های کلی نظام و در مجموع اسناد بالادستی، در بحث پیشگیری کمتر به پاسخ‌های کیفری پرداخته است و این پاسخ‌ها را بیشتر می‌توان در قوانین عادی موجود جستجو نمود و پاسخ‌های کیفری نیز بیشتر ناشی از الزامات جامعه از جمله گذر از جنگ تحمیلی و یا مقابله با نظام می‌باشد. این چنین پاسخ‌های کیفری به‌طور کلی تهدیدات امنیت غذایی را پوشش نمی‌دهد. در این خصوص می‌بایست حتی دولت و نهادهای حاکمیتی از جمله نهادهای عمومی، خصوص، دولتی و شبه دولتی نیز به‌عنوان مرتکبان رفتارهای تهدیدآمیز امنیت غذایی مورد جرم‌انگاری مقنن قرار گیرند. در این راستا، نقش قوه قضاییه در رسیدگی به جرایم و کاهش آن و مجازات مجرمین بسیار مهم است. در خصوص جرایم حوزه امنیت غذایی، لازم است که به‌طور تخصصی و ویژه رسیدگی انجام شود، قانون خاص در خصوص "رفتارهای تهدیدآمیز امنیت غذایی" که به جرم‌انگاری در حوزه جرایم مرتبط با مواد غذایی و جرایم زیست محیطی مخل امنیت غذایی پرداخته است و دامنه شمول آن شامل دولت و نهادهای مرتبط با آن و سایر نهادها می‌گردد، وضع گردد. برای جرایم مرتبط با امنیت غذایی، دادسرای ویژه، اختصاص داده شود.

منابع

۱. جمشیدی، علیرضا (۱۳۹۰)، سیاست جنایی مشارکتی، تهران: نشر میزان.
۲. ظهیری شاهرخ، عبقری، خسرو (۱۳۸۷)، پیش نویس قانون مواد غذایی در چارچوب راهبردهای اقتصادی و بهداشت و سلامت کشور با استفاده از مطالعات تطبیقی و نیاز بازار و قوانین جاری در کشور.
۳. فروغی نیا، حسین و تقوی مرمت (۱۳۹۳)، محمد، ماهیت تعهدات دولت‌ها در خصوص حق بر غذا از منظر حقوق بین الملل بشر و حقوق بشردوستانه، دوفصل نامه مطالعات حقوق بشر اسلامی.
۴. قاسمی، ناصر (۱۳۸۴)، حقوق کیفری محیط زیست، انتشارات جمال الحق، چ دوم.
۵. کوشا، جعفر و مهدی، قلجلو (۱۳۹۷)، سیاست جنایی ایران در قبال رفتارهای ناقض امنیت غذایی، مجله حقوقی دادگستری، سال هشتاد و دوم، شماره صد و یک.
۶. کی نیا، مهدی (۱۳۹۸)، مبانی جرم شناسی، تهران: دانشگاه تهران.
۷. گیدنز، آنتونی (۱۳۹۸) جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
۸. لازرژ، کریستین، (۱۳۸۲)، درامدی بر سیاست جنایی، مترجم: علی حسین نجفی ابراندآبادی، چاپ چهارم، بنیاد حقوقی میزان.
۹. مبینی دهکردی، علی، رویکردی نو به انتخابات بهترین گزینه راهبردی امنیت غذایی جمهوری اسلامی ایران، مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال سیزدهم، شماره ۵۱، پاییز، ۱۳۸۴.
۱۰. میرعباسی، سید باقر و اسفندیاری، چنگیز (۱۳۹۳)، "امنیت غذایی و حق دسترسی به غذا در گفتمان حقوقی سازمان ملل" تهران: خرسندی.
۱۱. میرعباسی، سید باقر و میرعباسی، رزی (۱۳۹۵)، جایگاه اصل توسعه پایدار در تحقق حق های بشری از منظر حقوق بین الملل، تهران: جنگل.

۱۲. نجفی ابرآبادی، علی حسین (۱۳۹۱)، تقریرات جرم شناسی، تهران: دانشگاه تهران.
۱۳. نجفی ابراندآبادی، علی حسین (۱۳۹۲)، از سیاست کیفری تا سیاست جنایی، پیش گفتار مترجم: در لازرژ، کریستین، درامدی بر سیاست جنایی، برگردان علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، میزان.
۱۴. Altieri MA, Toledo VM (۲۰۱۱). The agro ecological revolution in Latin America: rescuing nature, ensuring food sovereignty and empowering peasants. *Journal of Peasant Studies*. Jul ۱;۳۸(۳):۵۸۷-۶۱۲.
۱۵. Block DR, Chávez N, Allen E, Ramirez D. (۲۰۱۲) Food sovereignty, urban food access, and food activism: contemplating the connections through examples from Chicago. *Agriculture and Human Values*. ۲۰۱۲ Jun ۱;۲۹(۲):۲۰۳-۱۵.
۱۶. The Right to Adequate Food (۱۹۹۹), General Comment No. ۱۲ (Twentieth Session ۱۹۹۹) Committee on Economic, Social and Cultural Rights, E/C.۱۲/۱۹۹۹/۵, ۱۲ May ۱۹۹۹, paragraph ۴
۱۷. Knuth, Lidija (۲۰۱۱), Constitutional and Legal Protection of the Right to Food around the World, Margret Vidar, Rome: Food and Agriculture Organization of the United Nations, archived from the original on ۲۰ July ۲۰۱۲..
۱۸. Pimbert M. (۲۰۰۹) Towards food sovereignty. London: International Institute for Environment and Development; Nov.
۱۹. Schanbacher WD. (۲۰۱۸) The politics of food: the global conflict between food security and food sovereignty. ABC-CLIO.